

کاوشی بر مشارکت سیاسی در ایران

محمد زنگونی دوم

دانشجو کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور واحد هشتگرد، البرز، ایران

چکیده

مشارکت سیاسی و چگونگی دخالت مردم در تصمیم گیری های سیاسی و اداره جامعه از جمله مباحثی است که در سراسر تاریخ اندیشه سیاسی از قرن ها قبل از میلاد مسیح تا به امروزه چشم می خورد. یکی از مصادیق بارز مشارکت سیاسی مردم یک جامعه، شرکت در انتخابات مختلف یک کشور می باشد که از مسایل مطرح در جغرافیای سیاسی، جغرافیای انتخابات می باشد. جغرافیای انتخابات اولین بار در سال ۱۹۱۳ توسط دانشمند فرانسوی اندره زیگفرید مطرح شد. مشارکت سیاسی، به طور معمول به دامنه دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک معمول در فعالیت سیاسی اطلاق می شود که از لحاظ قانونی استحقاق آن را دارند. مشارکت انتخابات، شامل فعالیتهای اختیاری صورت گرفته توسط توده مردم برای تأثیر بر سیاست عمومی است. این تأثیر ممکن است مستقیم یا به انتخاب شخصی باشد که سیاستگذاری می کند. فعالیت هایی شامل رأی دادن در انتخابات از این جمله اند. برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و وجود رقابت سیاسی، یکی از وجوه دموکراسی و مشروعیت نظامهای سیاسی محسوب می شود. این مقوله در جوامع در حال گذار، اهمیت دوچندان دارد. انتخابات و مبارزات انتخاباتی، یکی از شاخص های مهم نظام مردم سالار است که در بطن آن، دو عنصر تداوم و تغییر پرورش می یابد. لذا در این پژوهش به عوامل موثر بر مشارکت مردم در انتخابات، ابعاد مشارکت سیاسی، الگوهای رفتاری در انتخابات، عوامل موثر در رفتار انتخاباتی و انتخابات در چندین کشور توسعه یافته و... خواهیم پرداخت.

واژه های کلیدی: مشارکت، الگوی رفتاری، انتخابات، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.

مقدمه

مفهوم مشارکت^۱ سیاسی مردم پدیده جدیدی است که می توان آن را از تبعات فرعی دولت ملی قلمداد کرد. امروزه تمام رژیم های سیاسی به نحوی از انحاء بر این مفهوم تاکید می کنند. به همین خاطر نمی شود در دنیا رژیمی یافت که برای نظریات مردم بالاخص شرکت در انتخابات احترامی قائل نباشد؛ بنابراین مشارکت سیاسی پدیده ای جهانی است، البته این به این معنا نیست که همه افراد در یک جامعه لزوماً به فعالیت سیاسی می پردازند و یا این که مشارکت سیاسی از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این معنی است که این مفهوم در همه جوامع کم تر یا بیشتر یافت می شود؛ و از سوی دیگر میزان مشارکت در هر کشوری نشانگر مورد اعتماد بودن حکومت آن می باشد و بر این نکته تاکید دارد که اعضای فرضی یک جامعه به این نتیجه رسیده اند که بهترین روش برای تاثیر گذاری بر تصمیمات حکومتی، مشارکت در امور سیاسی می باشد. این امر به معنای نهادینه شدن روش مسالمت آمیز در مناسبات دولت - ملت است. دموکراسی، مشارکت سیاسی و هویت جمعی از موضوعات اساسی مورد توجه در جامعه شناسی است یکی از مصادیق مشارکت سیاسی انتخابات می باشد که به سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته ای گفته می شود که ر یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمانی محدود و معین صورت می گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد یا موضوع یا مرام خاصی از سوی اکثریت مردم می شود و انجام این سلسله اقدامات و عملیات که منجر به این نتیجه می گردد، اصطلاحاً انتخابات نامیده می شود.

مطالعات پیشینه تحقیق

مطالعات نشاط و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که بین میزان مشارکت سیاسی فرهنگیان شهرستان ری با متغیرهای مستقل (سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، جنسیت، میزان موانع مشارکت سیاسی، میزان اطمینان از تاثیرگذاری، میزان اهمیت مشارکت سیاسی میزان دانش و مهارت سیاسی، میزان ارزشمندی نتایج مشارکت سیاسی) رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

نتایج تحقیقات جعفری نژاد و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که میزان مشارکت سیاسی زنان مورد مطالعه در فعالیت سیاسی بیش از حد متوسط می باشد و زنان فرهنگی در زمینه هایی چون شرکت در انتخابات مجلس، کسب اطلاعات و اخبار سیاسی، شرکت در راهپیمایی ها بیشترین میانگین پاسخ را به خود اختصاص داده اند؛ اما در زمینه مشارکت سیاسی خاص (عضویت در احزاب، نمایندگی مجلس) کمتر از حد متوسط بوده اند. در این پژوهش مشخص شد که دین، آگاهی و مهارت سیاسی از عوامل مهم مشارکت سیاسی زنان محسوب می شود یعنی در حقیقت هر چه قدر آگاهی و مهارت سیاسی زنان بالاتر باشد میزان مشارکت سیاسی آنان نیز بالاتر خواهد بود. متغیر مدرک تحصیلی نیز بر میزان مشارکت سیاسی زنان فرهنگی مورد مطالعه مؤثر بوده است؛ یعنی با بالاتر رفتن مدرک تحصیلی میزان مشارکت سیاسی کاهش می یابد. زنان فرهنگی دارای سنین ۵۱ سال به بالا و افراد مجرد و افراد دارای درآمد زیر دویست هزار تومان دارای مشارکت بالاتری نسبت به سایرین هستند؛ ولی این تفاوت معنادار نیست. همچنین رابطه ی معناداری بین مشارکت سیاسی زنان فرهنگی و متغیرهایی چون رشته تحصیلی، سابقه کار، دوره تحصیلی، محل زندگی آنان مشاهده نشد.

در تحقیق دیگری تحقیق دیگری تحت عنوان بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشخص نمود که بین «مشارکت سیاسی معلمان» آگاهی و مهارت فرد در مورد مشارکت، موانع محدودیت مشارکت با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه معنی داری وجود دارد [۱].

در مطالعاتی که توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان (ایپسا) با عنوان «بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی مردم تهران» در آستانه انتخابات هفتم مجلس در سال ۱۳۸۲ در شهر تهران صورت گرفت؛ نتایج نشان داد که عواملی همچون: تأثیرگذاری بر سیاست های نظام و سرنوشت خود، وظیفه شرعی، پایبندی به نظام اسلامی و دفاع از نظام جمهوری اسلامی در مقابل تهدید های خارجی فاکتورها و عوامل انگیزشی برای حضور مشارکتی خود در انتخابات بودند [۲].

¹ Participation

امامی (۱۳۸۶) در مطالعه ای به «بررسی نظر سنجی انتخابات هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه های تهران» پرداخت. وی مهم ترین دلایل و انگیزه پاسخگویان برای شرکت در انتخابات را مشارکت در سرنوشت کشور و تأثیر رأی من در تصمیمات کلان کشور با (۳۳/۹۴ درصد)، عمل به وظیفه ملی (۳۲/۴۵ درصد) و عمل به وظیفه دینی و شرعی (۲۷/۱۵ درصد) را گزارش داده است. یوسفی و سلیمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل احساسات اثرمندی سیاسی معلمان. (مورد مطالعه: معلمان شهرستان نیشابور» دریافتند که؛ اثرمندی سیاسی معلمان در بعد درونی کمتر از حد متوسط (۴۸/۹) و در بعد بیرونی کمی بیش از حد متوسط (۵۶/۶) است. ثانیاً حالت دلگرمی سیاسی با ۵۲/۸ درصد فراوانی، رایجترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان و پس از آن حالت بی تفاوتی سیاسی با فراوانی ۳۹/۲ درصد قرار دارد. ثالثاً از بین متغیرهای پیشبینی کننده اثرمندی سیاسی، دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، اثر تعیین کننده تری بر تغییر حالات اثرمندی سیاسی از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی دارند. به طوری هطوری که ۵۸ تا ۷۸ درصد از تغییر حالات اثرمندی، موقوف به تغییر سطح اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی برآورد گردیده است. با آگاهی از قوت و ضعف اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان، در ۹۲/۳ درصد از موارد حالت دلگرمی و در ۸۴/۲ درصد از موارد، حالت بی تفاوتی سیاسی آنها را به درستی می توان پیش بینی نمود. جعفری نیا (۱۳۹۱) در مطالعه ای به «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی در شهر خورموج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» پرداخته است. نتایج وی مبین آنست که میزان تمایل به مشارکت سیاسی مردانه نسبت به زنان بیشتر و با افزایش سطح تحصیلات، میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می یافت، همچنین طبقات اجتماعی بالا نسبت به طبقات اجتماعی پایین، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی داشتند. جعفریان (۱۳۸۴؛ ۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی فرهنگ سیاسی و نظام طایفه ها و میزان مشارکت سیاسی شهر دلفان» ابعاد فرهنگ سیاسی را در مورد میزان مشارکت شهروندان دلفان مورد بررسی قرار داده است. نتایج کار وی نشان می دهد مؤلفه هایی چون خویشاوندی شدید، خشونت گرایی و غارت، به شکل گیری فرهنگ سیاسی خاصی انجامیده که مانع جدی و مهمی بر سر راه توسعه سیاسی محسوب می شود. در مطالعات مردوخ (۱۳۷۳) برای سنجش «میزان و بررسی شاخصهای مشارکت سیاسی و اجتماعی تحت عنوان مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش» شاخص های کمیت پذیر مشارکت سیاسی و اجتماعی شامل موارد مشارکت در انتخابات، کارهای داوطلبانه، کارهای خیریه و عضویت در انواع انجمن ها و تجمع ها بیان شده است. دیانتی نیت (۱۳۸۲) در مطالعه ای به «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تبریز» پرداخته است. یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل دومتغیره این پژوهش نشان میدهد، متغیرهای عضویت در انجمن های داوطلبانه، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، فضای باز سیاسی و رسانه های گروهی با مشارکت سیاسی رابطه معنی داری داشته اند. حبیب زاده مرودشتی (۱۳۸۲) در پژوهشی به «بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن ها بر مشارکت سیاسی و اجتماعی» پرداخته است. نتایج نشان داد که برای بالا بردن میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی جوانان باید هویت ملی دینی جوانان تقویت شود و همچنین جوانانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی آنها در سطح پایینتری قرار داشت. هدایتی زاده (۱۳۷۸) در تحقیقی به بررسی «مشارکت سیاسی در ایران معاصر» پرداخته است. بر اساس یافته های این پژوهش می توان گفت به رغم اینکه ساختار نظام جمهوری اسلامی مبانی نظری و عملی مشارکت سیاسی مدنی را جامعه فراهم نموده اما ضعف انسجام درونی و سیستمی جامعه ما در ابعاد پذیری سیاسی و فرهنگی سیاسی مشارکتی و شرایط مرحله گذار نظام سیاسی غیردموکراتیک سلطنتی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی، موجب شکل گیری سیاسی توده ای شده است. عبداللهی (۱۳۸۳) در مطالعه ای با عنوان «زنان و نهادهای مدنی مسائل موانع و راهبردهای مشارکت زنان مدنی زنان در ایران» به این نتیجه رسید که، پایین بودن میزان مشارکت مدنی شهروندان ایران به ویژه زنان را یکی از مسائل اساسی جامعه در حال گذار امروزی ایران دانسته است. مطالعاتی که توسط دواس و هیوز (۱۹۷۱) در زمینه «بررسی تأثیر زمینه های فردی و خانوادگی دانش آموزان بر نگرش سیاسی آنها» در آمریکا صورت گرفت، نتایج حاصله مؤکد آنست که قشر پسران در مقایسه با دختران تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی در انتخابات دارند. همچنین بین طبقه اجتماعی دانش آموزان و فعالیت های سیاسی آنها رابطه معنی داری وجود نداشته است، این مطلب برای

پسران طبقه متوسط در تقابل با طبقه کارگر نیز صادق بود. مطالعات لایپلی (۲۰۰۳) نشان داد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می شود. وی نتیجه گرفتن که بحث با دوستانی که به سیاست علاقه مند یا به فعالیت سیاسی می پردازند، می تواند در یادگیری فرد به فعالیت در امور سیاسی کمک کند. مطالعات نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) نشان داد که میزان مشارکت سیاسی در بین طبقه متوسط به پایین در شهرستان خدابنده متوسط به پایین است. همچنین بین متغیرهای جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام گرایی، آینده نگری، بیگانگی اجتماعی-سیاسی اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه های گروهی، تقدیر گرایی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی-سیاسی رابطه ۹۹ درصد وجود دارد. مطالعات هاشمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می توان گفت که هر یک از متغیرهای سن، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی، درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، فATALISM (سرنوشت گرایی) احساس کارآمدی و اثر بخشی سیاسی، احساس بی قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی، پخش مسئولیت، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، دوری گزینی سیاسی، استفاده از رسانه ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی، اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی، رابطه و همبستگی معناداری با میزان مشارکت سیاسی دارد. مایکل راش عقیده دارد که شواهد فراوانی وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه ای که مشارکت در آن اتفاق می افتد، متفاوت است [۳]. دی.ال.شت؛ ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قورتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است [۴]. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱)؛ در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته اند. نمونه آماری این پژوهش را ۱۸۸ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان تشکیل داده اند. نتایج نشان می دهد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان همبستگی معناداری وجود دارد.

مفاهیم نظری پژوهش

الگوی نظری تحقیق

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در قسمت بالا الگوی نظری زیر در نظر گرفته شده است. همانطور که شکل زیر نشان می دهد، بین متغیرهای مستقل فردی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی با متغیر مشارکت سیاسی فرهنگیان رابطه وجود دارد. اما، بین سایر متغیرها رابطه ای وجود ندارد. الگوی نظری زیر روابط بین این متغیرها را به وضوح نشان می دهد.



² Lipley

³ Fatalism

مشارکت سیاسی

مشارکت به معنای حضور آگاهانه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. ویژگی اساسی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است [۵]. مشارکت در انتخابات از انواع مشارکت سیاسی متعارف است که در چارچوب قوانین و مقررات رسمی یک کشور انجام می پذیرد [۶]. مایکل راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از رأی دادن تا داشتن مقام رسمی یک سیاسی در نظر می گیرد [۳] و [۷]. مشارکت سیاسی را عبارت از هرگونه عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل به کارگیری روش های غیرقانونی می داند که بر انتخاب سیاست های عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی تأثیر گذار است. به نظر ساموئل هانتینگتون مشارکت سیاسی کوشش شهروندان عادی برای تأثیر گذاری بر سیاست های عمومی است. وی تلاش های مردم عادی در هر نوع نظام سیاسی جهت نفوذ بر کار حاکمان و تغییر رفتار آنان را از وجوه مشارکت سیاسی می داند [۸]. مشارکت سیاسی را اساس دموکراسی معرفی می کند. از نظر وی دموکراسی چیزی نیست جز یک قالب سیاسی که در آن اکثر مردم می توانند در امور عامه شرکت جویند. مشارکت سیاسی به درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم بکارگیری تا داشتن مقام سیاسی گفته می شود [۹]. **تعریف نظری:** لستر میل براث،^۴ مشارکت سیاسی را مجموعه ای از فعالیت ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می داند. در این تعریف، حیطه عمل مردم در امر مشارکت عوامل شامل: اعمال فشار، رقابت و تأثیر گذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است [۱۰]. **تعریف عملیاتی:** منظور از مشارکت سیاسی هر گونه عمل ارادی و آگاهانه افراد، در جهت تأثیر گذاری بر سیاست های عمومی جامعه نظیر: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت سازمانی و عضویت در گروه ها، احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، شرکت در مراسم، مجالس و راهپیمایی ها سیاسی می باشد [۱۱].

طبقه اجتماعی

تعریف نظری: طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می شود که از نظر ارزش های مشترک، حیثیت، فعالیت ها اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر، از بخش های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند [۵].
تعریف عملیاتی: شغل، سطح تحصیلات و درآمد به عنوان شاخص های تعیین طبقه اجتماعی افراد به کار رفته است [۱۱].
انتخابات: جریان رسمی انتخاب اشخاص برای احراز مقام یا منصب و مسئولیتی در جامعه از طریق آرای عمومی انتخابات از یک سو، پایه های قدرت اجتماعی را نشان می دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. انتخابات در هر جامعه ای عناصر زیر را در بردارد؛ برگزارکنندگان، انتخاب شوندگان، انتخاب کنندگان، قوانین انتخاباتی و فضای حاکم بر جامعه در زمان انتخابات، انتخابات یکی از سطوح مشارکت سیاسی است که بیانگر انتظارات و گرایش های اکثریت مردم در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می باشد [۴] و منظور از انتخابات در این پژوهش حضور افراد واجد شرایط رای دادن در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی انتخابات مجلس خبرگان رهبری و انتخابات شوراهای شهر و روستا می باشد

آگاهی سیاسی: آگاهی سیاسی یک فرد در برگیرنده طرز تلقی ها و ارزیابی او از مسائل خاص سیاسی و یا از شخصیت ها و حوادث سیاسی است؛ که در استان محدوده ی تحقق حاضر نیز همین شاخصه ها تعیین کننده است.
در فرهنگ معین، آگاهی مترادف با خبر، اطلاع و علم و معرفت است. در اینجا به چند نظریه در جامعه شناسی و تئوری های آنان پیرامون آگاهی سیاسی می پردازیم. بنابراین منظور آگاهی سیاسی، شناخت و اطلاع افراد یا گروه ها نسبت به امور عمومی و سیاست جامعه است. این عبارت یا عبارت های دانش سیاسی، اطلاعات سیاسی و هوشیاری سیاسی، تداخل مفهومی دارد. شاید نتوان تمایز دقیقی بین آن ها قائل شد اما به نظر می رسد دانش و اطلاعات سیاسی اشاره به محتوای حافظه فرد دارند و قابل اندازه گیری هستند؛ به عبارت دیگر می توان گفت واژه های اطلاعات، دانش، آگاهی و هوشیاری برای اشاره به مراتب

⁴ Lister Broth

مختلف آگاهی به کار می روند، چرا که آگاهی عبارتست توانایی دریافت حسی و حفظ خاطره، به توانایی بروز واکنش انتقادی به کمک اندیشه و عمل نیز مربوط می شود [۱۲].

رفتار انتخابات: رفتارهایی که یک فرد در جریان یک انتخابات از بروز می دهد و در نتیجه انتخابات موثر است.

کاندیدا: فردی که در جریان یک انتخابات، جهت انتخاب شدن توسط مردم خود را معرفی می کند [۱۳].

فرهنگ: به تعبیر مارکوس فیشر امروزه سه دریافت اصلی از معنای فرهنگی وجود دارد. یکی فرهنگ به معنای حرکت فکری، اخلاقی و زیبایی جویانه به سوی کمال؛ دیگری محصولات ناشی از حرکت مورد اشاره (مانند: ادبیات، نقاشی، مجسمه سازی و فیلم) و سومی به معنای مشخصی که گروهی از مردم به زندگی جمعیشان می دهند [۱۴]، جولی ریوز نیز در مقدمه کتاب فرهنگ و روابط بین الملل دو برداشت را درباره مفهوم فرهنگ از یک دیگر تمیز می دهد؛ یکی مفهومی که مدت ها برداشت غالب از فرهنگ بوده و آن را برای اشاره به هنر، موسیقی، ادبیات و به تعبیر متیو آرنولد «تعقیب کمال» به کدار می برده است و دومی مفهومی که نگاهی انسان شناسانه به فرهنگ دارد و می گوید «ما همان فرهنگمان هسدتیم» [۱۵] رابرت واکر نیز در مقاله ای با عنوان «مفهوم فرهنگ در نظریه روابط بین الملل» با ارائه تقسیم بندی مشابه ای دو ایده از فرهنگ را یکی با «ادعای جهانشمولی و دنگری خاص گرایانه از یکدیگر تمیز میدهد [۱۶] و بنابراین آن چه از مفهوم فرهنگ در این تحقیق مدنظر است، تعریف خاصی از فرهنگ است که شامل مجموعه دانش ها، اعتقادات، ارزش ها، هنجارها، آداب و رسوم و آموزش که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتسا می شود را در برمی گیرد.

توسعه: توسعه (واژه متناسب تر آن با عنایت به بار معنایی، تناسب فرهنگی، ملی و منطقه ای و نیز متناسب با باورها و ارزش های اعتقادی جامعه ایرانی، «پیشرفت» خواهد بود) از جمله مفاهیمی است که در دوران معاصر و به ویژه در دهه های پس از جنگ جهانی دوم در بین کشورها رواج بسیاری یافته است. توسعه از نظر اندیشه ورزان علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر نا انسانی تر است. به تعبیر دیگر، توسعه فرآیندی است جامع با هدف افزایش توانایی های انسانی-اجتماعی، برای پاسخگونی به خواسته های تعریف شده در جوامع بشری. از این رو توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قورتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. بنابراین توسعه کوشش مستمری برای کاهش یا رفع مشکلات و نابسامانی های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. به طور کلی، توسعه فرآیندی است که در خود تجدید سازمان و جهت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه باید علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در برداشته باشد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری، ایستارها و دیدگاه های عمومی مردم است. همچنین مشاوران یونسکو معتقدند: توسعه، فرآیندی هدف دار است که به وسیله انسان آغاز می شود و هدف آن بهبود شرایط زیستی کلیه کسانی است که در جامعه، زندگی می کنند. بنابراین توسعه عبارت است از شرایطی که در آن تمام اعضای جامعه قادر به رفع نیازهای خویش بوده و از طرفی دیگر برای شکوفایی استعدادهای خود از فرصت های بسیار برخوردار باشد [۱۷].

مشارکت سیاسی، درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. فرهنگ سیاسی مشارکتی به این معناست که افراد از نفوذ نظام سیاسی بر خود و میزان تاثیرگذاری خود بر نظام سیاسی آگاهی دارند و با علم به تاثیر گذاری متقابل آن دو بریکدیگر نسبت به ساخت سیاسی، اداری و روند تصمیم گیری و امر اجرایی حساسیت نشان می دهند و تلاش می کنند در خطی مشی و تصمیمات نظام سیاسی تاثیر بگذارند؛ بنابراین احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت و اداره امور مملکتی یک وظیفه و تکلیفی شرعی برای همه مردم به ویژه قشر نوجوان و جوانان یک جامعه زنده و پایدار است و اما عقل نیز بر این ضرورت تاکید می کند. به نظر می رسد در ایران نیز بسان دیگر کشورهای در حال توسعه به دلیل اینکه تجربه طولانی از دموکراسی ندارند و چند دهه پیش نیست که از نظام دیکتاتوری فاصله گرفته اند، هنوز راه های زیادی وجود دارد تا بتوان مشارکت سیاسی را در جامعه ایران نهادینه کرد و طرح مسئله مشارکت سیاسی هر چند به

⁵ development

کرات، شاید بتواند در دست یافتن به این مهم کمک شایانی کند [۱۸] پیوند انسان در گروه‌های اجتماعی و سیاسی، ضرورت مشارکت اجتماعی افراد را فراهم ساخته و نوع مسئولیت و کارکرد و جایگاه واقعی و یا آرمانی فرد را معین می‌سازد. انسان اجتماعی برای داشتن نظام حکومتی مورد علاقه خود نیازمند مشارکت سیاسی بوده و لذا بدون حضور فعال در عرصه سیاست جایگاه مورد نظر خود را نمی‌یابد [۱۸]

رأی دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکتی سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. رأی دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. رأی‌گیری در واقع یک نوع سازوکار اجتماعی برای گردآوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی دهی فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسوولیت‌ها در جامعه است [۱۹] براساس تعریف دایره المعارف علوم اجتماعی مشارکت سیاسی عبارت است از: فعالیت داوطلبانه‌ای که اعضای یک جامعه در انتخاب حکام به طور مستقیم یا غیر مستقیم و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند از دیدگاه راش مشارکت سیاسی به همه رفتارهای داوطلبانه شهروندان یک جامعه گفته می‌شود که از طریق آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سیاست‌های عمومی جامعه اثر می‌گذارند [۲۰] یکی از مصادیق مشارکت سیاسی انتخابات می‌باشد که به سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته‌ای گفته می‌شود که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمانی محدود و معین صورت می‌گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد یا موضوع یا مرام خاصی از سوی اکثریت مردم می‌شود و انجام این سلسله اقدامات و عملیات که منجر به این نتیجه می‌گردد، اصطلاحاً انتخابات نامیده می‌شود [۲۱].

الگوهای رفتاری انتخابات

با توجه به اینکه رفتار رأی دهندگان چند وجهی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی صورت می‌گیرد الگوهای مختلفی درباره تحلیل رفتار رأی دهندگان توسط محققان ارائه شده است. این الگوها را می‌توان در سه جریان عمده خلاصه کرد:

- ۱) الگوهای جامعه‌شناختی تحلیل رفتار رأی دهندگان
- ۲) الگوهای روانی-سیاسی تحلیل رفتار رأی دهندگان
- ۳) الگوهای آرمانی-عقلانی تحلیل رفتار رأی دهندگان

عوامل مؤثر در رفتار انتخاباتی

در بررسی الگوهای رفتارهای انتخاباتی به دیدگاه‌های متفاوتی اشاره شد که هر کدام متغیرهایی را برای تحلیل رفتار رأی دهی افراد بیان کردند. آنچه که از مجموع نظرات و دیدگاه‌ها بر می‌آید اینست که عوامل مختلف و متفاوتی بصورت توأمان در رفتار رأی دهی افراد مؤثرند و تأکید بر یک یا چند عامل نمی‌تواند بیان‌کننده علت واقعی انتخاب افراد باشد. می‌توان برخی از مهمترین عواملی که در این زمینه مؤثرند را چنین برشمرد:

۱. حوزه جغرافیایی سکونت
 ۲. عضویت در گروه‌های اجتماعی
 ۳. خانواده
 ۴. عضویت در گروه‌های قومی
 ۵. وابستگی‌های حزبی
 ۶. ویژگی‌های روانی و شخصی فرد
 ۷. تبلیغات و نقش وسایل ارتباط جمعی [۱۳].
- چگونه مشارکت حداکثری تحقق می‌یابد؟
- برگزاری سالم و قانونی انتخابات

- بالابردن سطح امید و رضایتمندی مردم
- اطلاع رسانی شفاف به موقع و برابر
- رعایت اعتدال و پرهیز از افراطی گری
- پرهیز از ایجاد فضای دو قطبی
- تبلیغ نگرش تکلیفی در نگاه رهبری در جامعه
- پرهیز از ریخت و پاش و صرف هزینه های گزاف تبلیغاتی

وضعیت مشارکت سیاسی و انتخابات در چندین کشور توسعه یافته

۱- ترکیه: انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، آرای غیرعلنی نمایندگان پارلمان این کشور در چهار دوره انجام می پذیرد در صورتی که هیچکدام از کاندیداها نتواند در چهارمین دور اخذ رأی پیش از پنجاه درصد از آرای نمایندگان را به خوداختصاص دهند پارلمان خود به خود منحل می گردد و انتخابات عمومی زودرس انجام می گیرد.

۲- پاکستان: رئیس جمهور پاکستان براساس رای مجلس ملی-سنا و مجالس ایالتی این کشور انتخاب می شود. هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری برای پیروزی در انتخابات باید از حمایت اکثریت چهار مجلس ایالتی و مجالس ملی و سنا بهره مند باشند.

۳- روسیه: در این کشور مردم به صورت مستقیم رئیس جمهور را تعیین می کند.

۴- آمریکا: در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا رئیس جمهور از سوی مردم ایالات متحده مختلف و از راه انتخابات غیرمستقیم برگزیده می شود.

۵- آلمان: رئیس جمهور توسط مجمع فدرال انتخاب می شود و حداقل ۴۰ سال سن داشته باشد. دوره ریاست جمهوری ۵ سال است رئیس جمهور نمی تواند از اعضای حکومت یا قوه مقننه باشد. در آلمان رئیس جمهور نقش سیاسی نسبتا نامرئی و بی اثر دارد رئیس جمهور مدال و نشان توزیع می کند و برای مردم پیام می فرستد. اما قدرت سیاسی اصلی آلمان دست صدراعظم آلمان که در راس حکومت قرار دارد میباشد. صدراعظم بنا بر پیشنهاد رئیس جمهور از طرف مجلس فدرال با اکثریت مطلق آرا انتخاب می شود. هرگاه مجلس به صدراعظم رای عدم اعتماد بدهد صدراعظم می تواند از رئیس جمهور تقاضای انحلال مجلس را بکند. عزل و نصب وزیران با صدراعظم است.

۶- فرانسه: هر فرانسوی میتواند خود را کاندیدای ریاست محترم جمهوری کند مشروط بر آنکه صد نفر از نمایندگان مجلس ملی و سنا شورای اقتصادی و اجتماعی و یا شوراهای مهم ولایتی و شهرداری او را معرفی نمایند. مدت ریاست جمهوری ۷ سال است. انتخابات با رای مستقیم و اکثریت مطلق در دوروز انجام می گیرد.

هر داوطلب باید دو هزار فرانک پرداخت نماید. هر داوطلبی که لااقل ۵ درصد آرا را کسب نمایند هزینه کاغذ و چاپ آگهی تبلیغاتی را از دولت دریافت می کند [۱۲]

نتیجه گیری

از زمان پیدایش اولین جامعه شورایی سومری تا پیدایش دولت شهرهای یونان و بعدها تحقق نظام های مردم سالار غربی، همواره مسأله مشارکت مردم و روش دخالت آنان در امور عمومی مدنظر اندیشمندان و دولتمردان بوده است. انسانها همواره برای داشتن زندگی ایده آل و مناسب به دنبال انتخاب های شایسته برای ارتقاء سطح زندگی خود هستند. موضوع مشارکت و انتخاب برای همه انسانها از قدیم تا کنون رایج و در تمام اقلیت ها و مذاهب به صورت وضوح و مستمر نمایان می باشد. چرا که هر قوم و جامعه ای برای حفظ ارزش ها و آرمانهای خود نیازمند مشارکت مردمی برای پیشبرد و ترقی اهداف تعالی خود چه در جامعه درونی و چه در میادین بین المللی می باشند و در این راستا همه ملت ها شیوه ای انتخابات با مشارکت مردمی به صورت های متفاوت برگزار می گردد. ملت های جهان برای دفاع از صیانت و هویت خود و داشتن جامعه ای با فرهنگ دموکراسی نیازمند کرسی انتخابات و مشارکت سیاسی می باشند. این افراد با دادن رأی به فرد اصلح و با شرایط ایده آل نقش محوری و کلیدی در تمام عرصه ها و اداف یک ملت ایجاد می کنند. چرا که با حضور حداکثری در پای صندوق های رأی

میزان مقبولیت نظام و سیستم حکومتی خود را به اثبات می‌رسانند. فرهنگیان و معلمان همواره جزو بزرگترین اقشار از طبقه متوسط جامعه هستند که نقشی محوری را در سیاست مشارکتی (انتخابات) بازی می‌کنند. در واقع طبقه متوسط جامعه تعداد کثیری از جمعیت یک جامعه را به خود اختصاص داده که می‌تواند نقش مستمر تری را ایفا کند. مشارکت در انتخابات با ابعادی همچون انتخابات، آگاهی سیاسی، رفتار انتخاباتی، مجلس شورای اسلامی، کاندیدا و انتخاب یک نماینده یا نامزد برای کسب کرسی مجلس شورای اسلامی برای پیشبرد اهداف صورت می‌گیرد. در این بین نهاد آموزش و پرورش برای تعلیم و ارشاد نیروهای مردمی و تحویل افراد تحصیلکرده در جامعه نقش کلیدی را داراست. انتخابات در برهه خود با الگوها و رفتارهای خاصی برای انتخاب همراه است. از جمله می‌توان به؛ الگوهای جامعه شناختی تحلیل رفتار رأی دهندگان، الگوهای روانی - سیاسی تحلیل رفتار رأی دهندگان، الگوهای آرمانی - عقلانی تحلیل رفتار رأی دهندگان نام برد که هر یک به طور مختصری در بالا توضیح داده شده است.

از عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی می‌توان به محیط جغرافیایی، میزان مشارکت و عضویت در گروه‌های اجتماعی و قومی، بنیان خانواده، ویژگیهای فردی و روانی افراد، وابستگی احزاب و نقش محوری رسانه اشاره کرد. رفتار انتخاباتی ایرانیان هم مانند سایر کشورها بوده است. ملت ایران نیز برای تعیین نقش سرنوشت و برای حفظ آرمانهای خود و حضور دشمنان فراوان با عث شد تا با ایجاد یک فرآیند اقدام به رأی گیری و تصمیم سرنوشت ساز اقدام کنند. برای ایجاد یک فضای مناسب مشارکت سیاسی باید از لحاظ روانشناختی و رفتاری بتوان زمینه شکل گیری شخصیت اجتماعی افراد جامعه را با ایجاد انگیزه، باروری افکار، باورها و عقاید مردم را در پای صندوق های رأی و برگزاری هر چه پر شورتر یک فرآیند با حضور حداکثری مردم را ایجاد کرد. چرا که نبود فضای مناسب انتخاباتی و عدم تبلیغات سوء و ندادن مشوق و انگیزه ای لازم و عدم آگاهی سازی افکار عمومی از نتایج انتخابات اثرات سوء را به دنبال خواهد داشت. از آنجایی که دشمنان یک ملت با تضعیف افکار عمومی و تشویش عقاید گروه های مخالف و با به میان آمدن فرصت هایی برای کاهش حضور حداکثری افراد یک ملت، سعی در کاهش حضور مشارکت سیاسی در پای صندوق های رأی می‌باشند. پس باید با ایجاد فضای تبلیغاتی رفتاری و روانشناختی همه آحاد ملت زمینه مشارکت هر چه بیشتر فراهم گردد. از آنجا که نقش محوری طبقات اجتماعی در انتخابات با هم متفاوت است، اما طبقه متوسط جامعه با داشتن سیل جمعیت بیشتر نقش محوری تر را داراست. نظام آموزش و پرورش و فرهنگیان یک گروه از همین طبقه متوسط جامعه هستند که علاوه بر نقش رسالتی و آموزش افراد جامعه می‌توانند زمینه مشارکت سیاسی را برای برگزاری هر چه باشکوه تر فضای رقابت انتخاباتی را مهیا سازند. مشارکت حداکثری زمانی تحقق می‌یابد، که همه گروهها و اقشار یک جامعه با هدفی واحد و در کنار هم نقش محوری خود را ایفا کنند و با ترویج فضای مناسب انتخاباتی - مشارکتی به تحقق آرمانی یک ملت پاسخ دهند. وضعیت مشارکت سیاسی و انتخاباتی در کشورهای مختلف با هم متفاوت و در شیوه های گوناگونی برگزار می‌گردد. در کشور ایران زنان هم دوش مردان در تعیین سرنوشت ملی خود در مشارکت سیاسی حضور یافته و نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

منابع

- [۱] شهرام نیا، سید امیر مسعود و ملانی، صابر (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات؛ مطالعه موردی: معلمان نواحی (۱) و (۳) اصفهان. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال ششم. شماره اول. صص ۱۶۶-۱۳۵.
- [۲] بشیریه، حمید (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی از دیدگاه انسان شناسی و قوم شناسی. تهران: نشر نگاه معاصر. صص ۱۵۷.
- [۳] راش، مایکل (۱۳۸۷). جامعه و سیاست. مترجم: منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت. صص ۱۴۰.
- [۴] خبرگزاری ایسپا (۱۳۸۲). بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی مردم تهران. صص ۱۸۳.
- [۵] کوئن، بروس (۱۳۸۶). مبانی جامعه شناسی. مترجم: غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت. صص ۲۶۷-۲۶۳.
- [۶]
- [۷] واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی. مترجم: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. صص ۱۳۹.

- [۸] دوبنوا، آلن (۱۳۷۷). مسئله دموکراسی. مترجم: نادر بزرگ زاده. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۷۸-۷۷.
- [۹] حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- [۱۰] حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴). گونه شناسی روش های مطالعه جامعه شناسی در ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال اول. شماره یک. صص ۱۱۰-۱۰۷.
- [۱۱] بحرانی، محمد حسین (۱۳۸۹). طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر. چاپ دوم. تهران: نشر آگاه. صص ۲۹۶-۲۷۱.
- [۱۲] کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴). «آگاهی واژگونه» اطلاعات سیاسی و اقتصادی. تهران، شماره ۱۳۳-۱۳۴. ص ۶۷.
- [۱۳] بایی لاشکی، مریم و پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۸). تحلیل رفتار انتخاباتی ایرانیان (مورد مطالعه: حوزه انتخابیه نوشهر و چالوس در انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی). فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی. سال اول. شماره سوم.
- [14] Mc closky, e (1979). *The International Encyclopedia of the Social Sciences*, New York: the Macmillan Company.
- [15] Robert E. Dowse, Jon A. Hughes, *Political Sociology*, (New York: John Wiley & Sons, 1986), p. 293.
- [16] Sullivan, J. L. and Riedel, E. (2001), *Political Efficacy*. in N.J. Smelser and P.B. Baltes, (eds.), *International Encyclopedia of the*
- [17] *Social and Behavioral Sciences (Vol.7)*, Oxford: Elsevier Sciences Ltd.
- [۱۸] جعفری نیا، خورموج (۱۳۹۱). بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال هفتم. شماره دوم. صص ۱۲۳-۸۷.
- [19] Dowse, Robert E and Hughes, John A., "Girl, Boy and politics", *British Journal of Sociology*, Vol. 22, March, 1971
- [۲۰] قاسمی، حاکم و معالی، فاطمه (۱۳۹۳). عوامل محدود ماندن مشارکت زنان (بررسی عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان). (جامعه مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه‌های بین المللی امام خمینی، علامه طباطبایی، تهران، امیرکبیر، اصفهان، و تبریز). پژوهشنامه علوم انسانی، سال دهم، شماره اول، صص ۱۲۳-۱۵۶.
- [۲۱] حقیقی، محمد صادق. (۱۳۷۰). انتخابات، تعاریف و اطلاعات. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.